

جایگاه گی‌یار در ادبیات تطبیقی

مصطفی حسینی *

چکیده

این جستار دو بخش اصلی دارد: بخش اول دربارهٔ پیشینهٔ ادبیات تطبیقی در فرانسه و معرفی مختصر ماریوس فرانسوا گی‌یار و کتاب معروفش *ادبیات تطبیقی* است. بخش دوم ترجمهٔ تقریظ ژان-ماری کاره بر کتاب *ادبیات تطبیقی* گی‌یار است که خود از دو بخش تشکیل می‌شود: اول، مقدمهٔ مؤلفان کتاب مرجع *ادبیات تطبیقی* چاپ دانشگاه پرینستن بر تقریظ کاره؛ دوم، مقدمه بر *ادبیات تطبیقی* نوشتهٔ ژان-ماری کاره. بخش دوم جستار برگرفته از کتاب مرجع *ادبیات تطبیقی* چاپ دانشگاه پرینستن تألیف دیوید دمراش و دو تن از همکاران اوست. مؤلفان این کتاب که دربارهٔ فراز و فرود ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان از اروپای عصر روشنگری تا دهکدهٔ جهانی امروز است، مقدمه‌های کوتاه و روشنگری بر مقالات کتاب نوشته‌اند که ترجمهٔ مقدمهٔ آنان را نیز در اینجا آورده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ژان-ماری کاره، ماریوس فرانسوا گی‌یار، ادبیات تطبیقی، مکتب فرانسه.

* عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

و دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز

پیام‌نگار: hosseiny.mostafa1352@gmail.com

۱. مقدمه

بدیهی است که برای شناخت دقیق هر نظریه ادبی باید سیر تاریخی و تکوینی آن را بررسی و مطالعه کرد. نظریه «ادبیات تطبیقی» نیز از این قاعده مستثنی نیست. ژان-ماری کاره^۱ از محققان برجسته ادبیات تطبیقی در فرانسه است. تقریظ او بر کتاب *ادبیات تطبیقی* شاگردش ماریوس فرانسوا گی‌یار^۲ از همان زمان انتشار نظر پژوهشگران این حوزه را به خود جلب کرد. این مقدمه کوتاه، که تحسین سردبیر *سالنامه ادبیات عمومی و تطبیقی*^۳ امریکا را برانگیخته بود، بلافاصله پس از انتشار ترجمه شد و در اولین شماره این سالنامه به چاپ رسید. تردیدی نیست که مقدمه کاره به دلیل «جمع‌بندی مختصر و مفید اصول و مبانی ادبیات تطبیقی [مکتب فرانسه]» از آثار تأثیرگذار این حوزه به شمار می‌آید. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم این مقدمه کوتاه ولی جامع را به فارسی ترجمه کنیم، به این امید که در شناخت سیر ادبیات تطبیقی مفید واقع شود.

۲. پیشینه ادبیات تطبیقی در فرانسه

ادبیات تطبیقی در نیمه نخست قرن نوزده در غرب آغاز شد. خاستگاه ادبیات تطبیقی فرانسه است و آبل-فرانسوا ویلمن^۴ (۱۷۹۰-۱۸۷۰) و ژان-ژاک آمپر^۵ (۱۸۰۰-۱۸۶۴)، استادان ادبیات دانشگاه سوربن، را باید از نخستین پایه‌گذاران آن دانست. این دو پژوهشگر فصل جدیدی در پژوهش‌های ادبی — و توسعاً فرهنگی — گشودند و نه تنها جنگ‌های ادبی متعددی از ادبیات جهان فراهم کردند، بلکه به مطالعه گسترده ادبیات کشورهای مختلف اروپایی نیز پرداختند. دستاوردهای پژوهشی آنان بین سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۸۴۱ منتشر شد.

آبل-فرانسوا ویلمن نخستین کسی بود که اصطلاح ادبیات تطبیقی را وضع کرد و در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش به کار برد. ویلمن در درس تاریخ ادبیات خود در دانشگاه سوربن، از تأثیر متقابل ادبیات ملل مختلف اروپا — فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آلمان — در یکدیگر سخن می‌راند و دانشجویانش را به تحقیق و تفحص در این باب ترغیب

^۱ Jean-Marie Carré

^۲ Marius-François Guyard, *La Littérature comparée*

^۳ *Yearbook of Comparative Literature*

^۴ Abel-François Villemain

^۵ Jean-Jacques Ampère

می‌کرد. پس از ویلمن، ژان-ژاک آمپر درس او را استمرار و توسعه بخشید. آمپر، علاوه بر مقایسه ادبیات ملل مختلف اروپایی، به تأثیر متقابل آثار ادبی ملل مختلف جهان در همدیگر — مثلاً ادبیات شرق و غرب — نیز پرداخت. از این رو، سنت بوو^۱ (۱۸۰۴-۱۸۶۹)، منتقد معروف فرانسوی، آمپر را بنیان‌گذار واقعی ادبیات تطبیقی در فرانسه و به طور کلی در جهان می‌داند.

ادبیات تطبیقی به مرور زمان در فرانسه نضج گرفت و به رشته‌ای مستقل بدل شد. تطبیق‌گران فرانسوی ادبیات تطبیقی را زیرشاخه‌ای از تاریخ ادبیات محسوب می‌کردند و بیشتر به بررسی روابط ادبی میان زبان و ادبیات کشورهای مختلف اروپایی، به‌ویژه فرانسه، می‌پرداختند. به سخن دیگر، این محققان فقط با مقایسه و سنجش ادبیات ملی فرانسه با ادبیات دیگر سرزمین‌های اروپایی سر و کار داشتند و به همین حد اکتفا می‌کردند. افزون بر این، آن گونه که مدارک و مستندات محکم و متقن نشان می‌دهد، سخت تحت تأثیر دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه حاکم بر فرانسه قرن نوزده بودند. از محققان برجسته این نحله فکری می‌توان به استادانی نظیر ژان-ماری کاره، ماریوس فرانسوا گی‌بار، رنه اتیامبل، پل وان تینگم، پل آزار و فرنان بالدنسپرژه اشاره کرد.

ماریوس فرانسوا گی‌بار (۱۹۲۱-۲۰۱۱)، استاد ادبیات فرانسه دانشگاه سوربن، در سال ۱۹۵۱ کتاب *ادبیات تطبیقی* خود را منتشر کرد. «این کتاب، طی شش چاپ، مرتباً روزآمد شد. آخرین چاپ آن در ۱۹۷۸ انتشار یافت و در مجموع چهل‌وچهار هزار نسخه از این اثر به بازار کتاب آمد...». این اثر یکی از نخستین کتاب‌های درسی در حوزه ادبیات تطبیقی به زبان فرانسه شمرده می‌شود و در معرفی مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی پیشگام بوده است» (ساجدی ۱۷۷).

کتاب *ادبیات تطبیقی* گی‌بار به زبان‌های متعدد، از جمله فارسی، ترجمه شده است. نخستین بار جمشید بهنام این اثر را در سی‌وهشت صفحه — در واقع، یک‌پنجم کل کتاب — در سال ۱۳۳۲ش/ ۱۹۵۳م تلخیص و ترجمه کرد. پس از او، علی اکبر خان‌محمدی در سال ۱۳۷۴ کل کتاب را به همراه مقدمه و مؤخره‌ای از فرانسه به فارسی برگرداند و منتشر کرد.

^۱ Charles-Augustin Sainte-Beuve

بخش‌های کتاب گی‌یار به ترتیب عبارت‌اند از: تقریظ ژان-ماری کاره، مقدمه مؤلف، مقدمات و تاریخچه، موضوع و شیوه کار، عناصر ادبی، انواع ادبی، تأثیرگذاری و مقبولیت، منابع و مراجع، جریان‌های اصلی تفکر در اروپا، و جمع‌بندی نهایی.

۳. مقدمه دمراش بر ادبیات تطبیقی گی‌یار

ژان-ماری کاره سال‌ها ریاست کرسی ادبیات تطبیقی مدرن^۱ دانشگاه سوربن را بر عهده داشت. او که متخصص روابط ادبی فرانسه و آلمان و انگلستان بود، به دلیل مطالعاتش در زمینه سفرنامه‌نویسی و تشریح تأثیر و نفوذ نویسندگان در خارج از مرزهای ملی، مثلاً در کتاب *گوته در انگلستان*^۲ (۱۹۲۰)، مشهور بود. کاره در مقدمه خود بر بررسی ادبیات تطبیقی (۱۹۵۱) به قلم دانشجوی سابقش ماریوس فرانسوا گی‌یار، نظراتش را در باب ادبیات تطبیقی با لحن کنایه‌آمیزی مطرح کرد. او در این مقدمه بسیار جدی — حتی آمرانه — تأکید کرد که تطبیق‌گران باید، به جای تمرکز بر اشتراکات و شباهت‌های بسیار عام، توجه خود را به روابط تاریخی یا روابط ادبی ملموس^۳ میان نویسندگان و فرهنگ‌ها معطوف کنند. مقدمه کاره سال بعد در اولین شماره *سالنامه ادبیات عمومی و تطبیقی* امریکا مجدداً چاپ شد و سردبیر مجله کاره را به دلیل مهارتش در «جمع‌بندی مختصر و مفید اصول و مبانی ادبیات تطبیقی» ستود. اگر چه رویکرد کاره به ادبیات تطبیقی ماهیتی اثبات‌گرایانه داشت، ولی او در صدد کشف تحریفات و دیگرگونی‌ها و حتی توهماتی بود که هنگام تبدیل یک فرهنگ به «سراب» از دید بیگانگان به وجود می‌آید.

۲.۳. مقدمه ژان-ماری کاره بر ادبیات تطبیقی گی‌یار^۴ (۱۹۵۱)

ادبیات تطبیقی این روزها در فرانسه زبانزد شده است. این امر هم امیدبخش است و هم نگران‌کننده. (پس از [پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ و] آزادی فرانسه، بیش از

^۱ Littératures modernes comparées

^۲ Goethe en Angleterre

^۳ rapports de fait

^۴ این مقدمه برگرفته از کتاب *ادبیات تطبیقی اثر ماریوس فرانسوا گی‌یار* (انتشارات دانشگاه فرانسه، ۱۹۵۱) است که دیوید دمراش آن را به انگلیسی ترجمه کرده است.

دویست موضوع پایان‌نامه درباره ادبیات تطبیقی در دانشگاه سوربن ثبت شده است). این شیفتگی مفرط احتمالاً به هرج و مرج می‌انجامد. بنابراین، ما باید از ماریوس فرانسوا گی‌بار برای بررسی این وضعیت سپاسگزار باشیم. توضیح روشن او [از وضعیت نابسامان ادبیات تطبیقی] هم توصیف وضع موجود است و هم هشدار. بنابراین، لازم است که ماهیت ادبیات تطبیقی دوباره به‌روشنی تبیین شود.^۱ ادبیات تطبیقی مقایسه و سنجش محض چیزی با چیز دیگر، و در هر زمان و هر مکانی نیست. ادبیات تطبیقی مقایسه ادبی نیست. موضوع ادبیات تطبیقی این نیست که انواع مقایسه‌های بلاغی قدیمی میان کُرنی و راسین یا ولتر و روسو و نظایر اینها را به ادبیات‌های خارجی منتقل کنیم. ما تمایلی نداریم که مثلاً به شرح مشابهت‌ها و مغایرت‌های تنیسُن^۲ یا دیکنز انگلیسی با موسه^۳ و دوده^۴ فرانسوی پردازیم. ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از تاریخ ادبیات است که به مطالعه و بررسی روابط فکری میان ملت‌ها، روابط واقعی موجود میان بایرون و پوشکین، گوته و کارلایل، والتر اسکات^۵ و وینی^۶ [بر اساس شواهد و مستندات تاریخی]، یا روابط میان آثار ادبی، منابع الهام، و حتی زندگی نویسندگان در ادبیات‌های مختلف می‌پردازد. این بررسی اساساً به ارزش آثار ادبی در زبان مبدأ کاری ندارد، بلکه دغدغه اصلی آن بررسی تغییراتی است که هر ملت یا هر نویسنده در آنچه به عاریت گرفته اعمال می‌کند. منظور از تأثیر غالباً تعبیر، واکنش، مقاومت، و مبارزه [در برخورد با متن اصلی] است. پل والری می‌گوید: «برای نویسنده هیچ چیز اصیل‌تر، هیچ چیز مبتکرانه‌تر از این نیست که از آثار ادبی دیگر تغذیه کند. اما لازمه این کار هضم و جذب آثار است. شیر از شکار کردن و خوردن گوسفند شیر می‌شود».

به علاوه، ظاهراً در مورد تأثیرات ادبی دچار شتابزدگی‌های بی‌اندازه شده‌اند. بررسی تأثیرات کاری دشوار و غالباً فریب‌دهنده است. گاهی اوقات، خطر سنجش چیزهای سنجش‌ناپذیر به میان می‌آید. اما آنچه اطمینان بخش‌تر است بررسی سیر موفقیت آثار

^۱ استادمان فرنان بالدنسپرژه نخستین بار آن را در سال ۱۹۲۱ (در اولین شماره مجله ادبیات تطبیقی) به طور عام بیان کرد. نیز نک کتاب ادبیات تطبیقی (۱۹۳۱ و چاپ مجدد در ۱۹۴۰) اثر پ. وان تیگم.

^۲ Tennyson, Alfred

^۳ Musset, Alfred de

^۴ Daudet, Alphonse

^۵ Scott, Walter

^۶ Vigny Alfred

ادبی، رموز توفیق یک نویسنده، سرنوشت مشاهیر ادبی، تفسیر متقابل ملت‌ها و سیر و سفرها و تخیلات است. به عنوان مثال، ما خودمان را در میان دیگران، انگلیسی‌ها در میان فرانسوی‌ها، فرانسوی‌ها در میان آلمانی‌ها، و سایرین چگونه می‌بینیم. کلام آخر، ادبیات تطبیقی ادبیات عمومی نیست. ادبیات تطبیقی می‌تواند نهایتاً به ادبیات عمومی بینجامد. بعضی می‌پندارند که باید چنین شود. اما این شباهت‌ها (و همچنین تقارن‌ها) — همچنان که در مورد اومانسیم، کلاسیسیسم، رمانتیسم، رئالیسم، سمبولیسم شاهد بودیم — سبب می‌شوند که ادبیات تطبیقی گرفتار نظم مفراط و گسترده‌گی مفراط در زمان و مکان شود، و در محدوده تنگ مفاهیم انتزاعی و من‌عندی و اصطلاحات صرف باقی بماند. اگر ادبیات تطبیقی راه را برای چنین دامچاله‌هایی هموار کند، دیگر نمی‌تواند در انتظار نتایج درخشان باشد. البته حرکت کردن با پیش رفتن صورت می‌گیرد. شرط لازم این است که با نظم متشت حرکت نکنیم و پیشروی خود را انضباط ببخشیم. کتاب ماریوس فرانسوا گی‌یار راه را به ما نشان خواهد داد.

منابع

حدیدی، جواد. *از سعدی تا آراگون*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
ساجدی، طهمورث. «به یاد ماریوس فرانسوا گی‌یار». *نامه فرهنگستان*. دوره دوازدهم، شماره اول (بهار ۱۳۹۰): ۱۷۶-۱۷۷.

Damrosch, David et al. *The Princeton Sourcebook in Comparative Literature*. New Jersey: Princeton University Press, 2009.